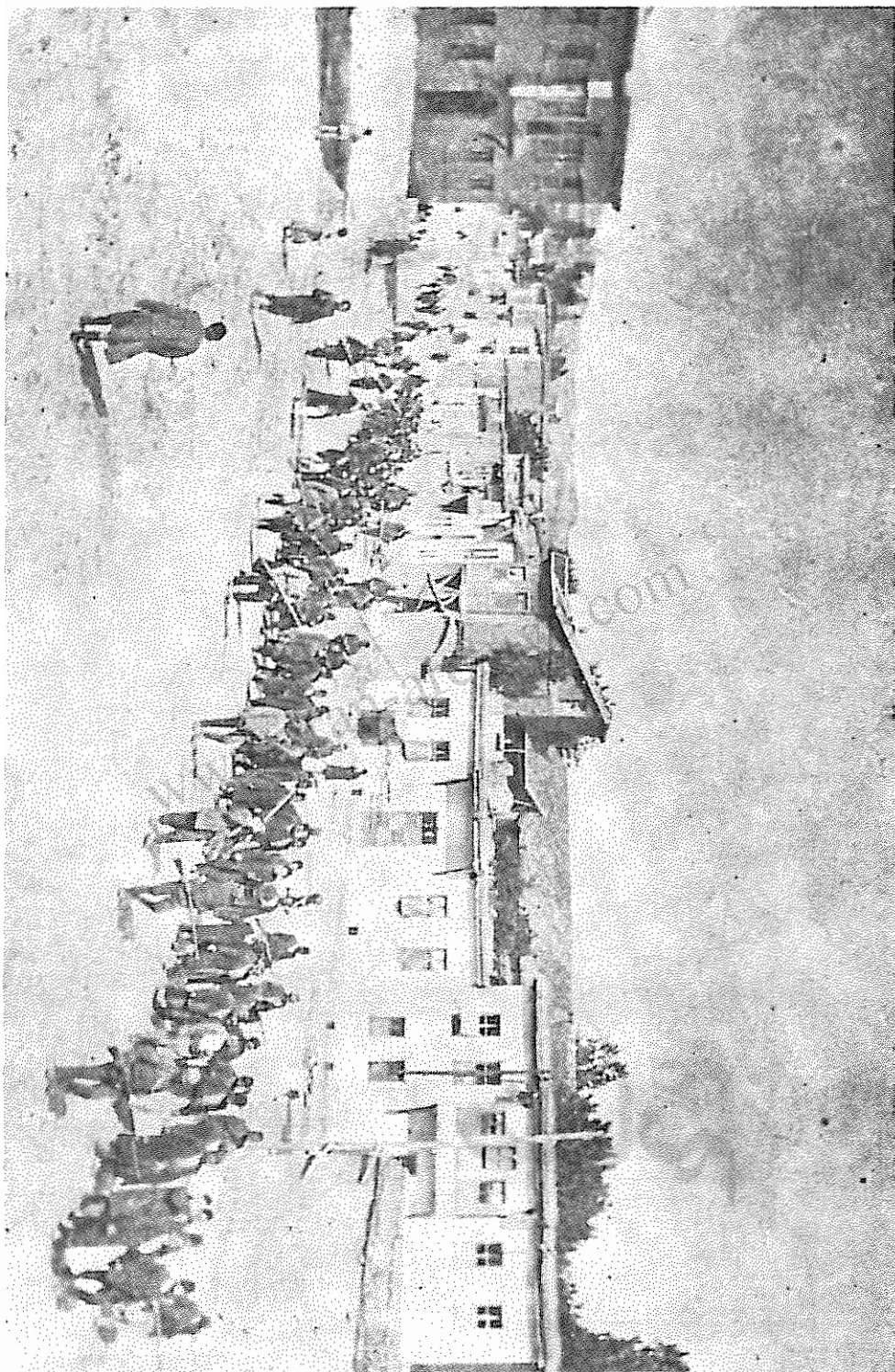
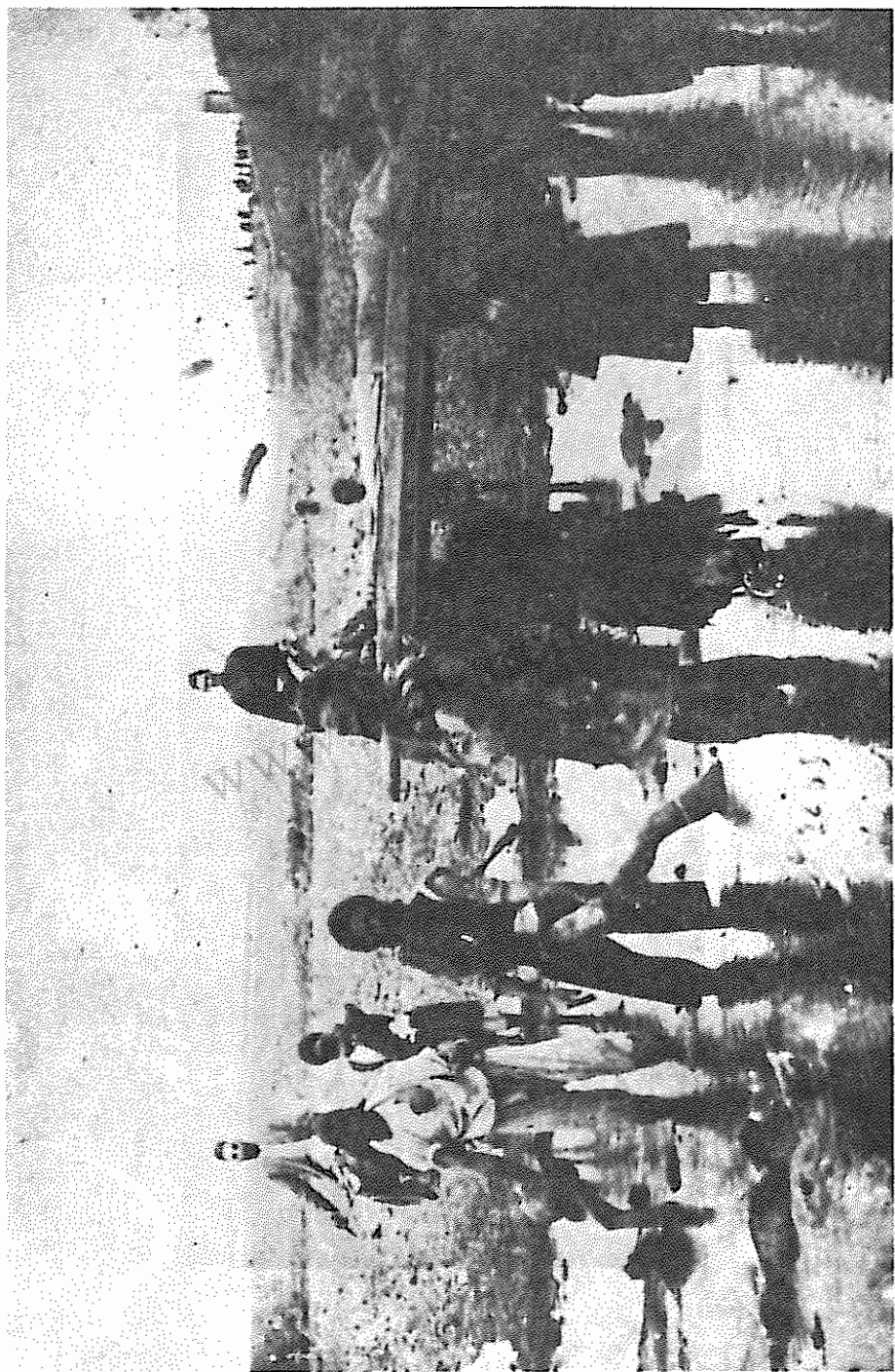


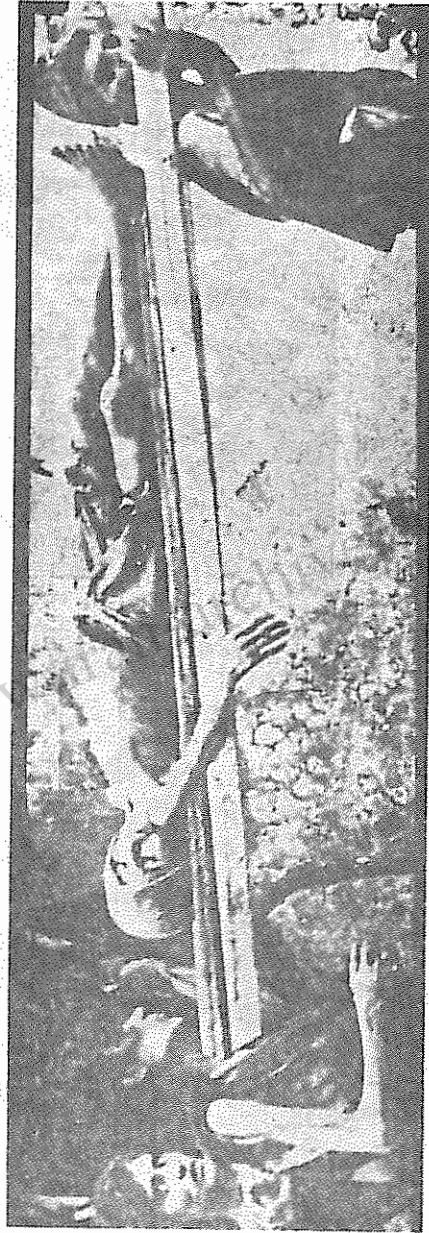
www.iran-archive.com

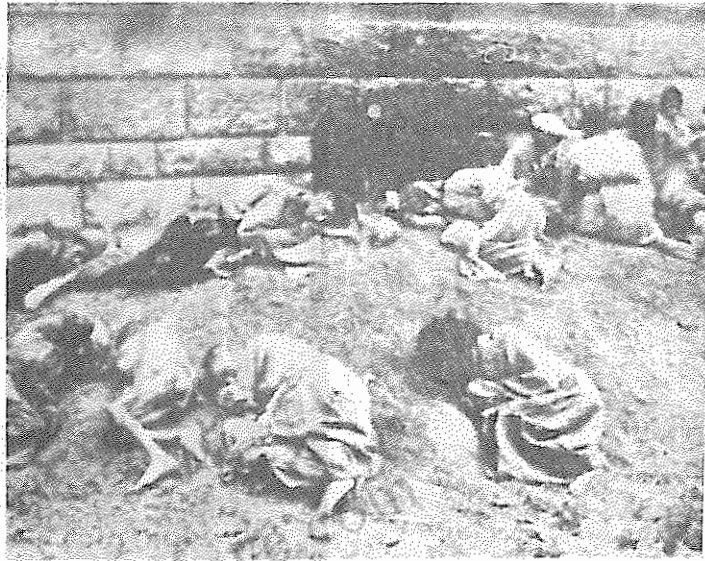
ضمائم





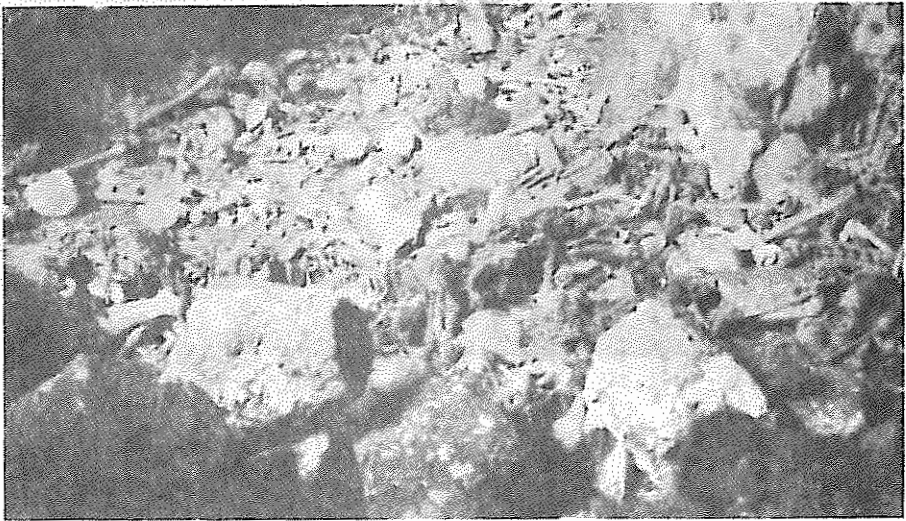




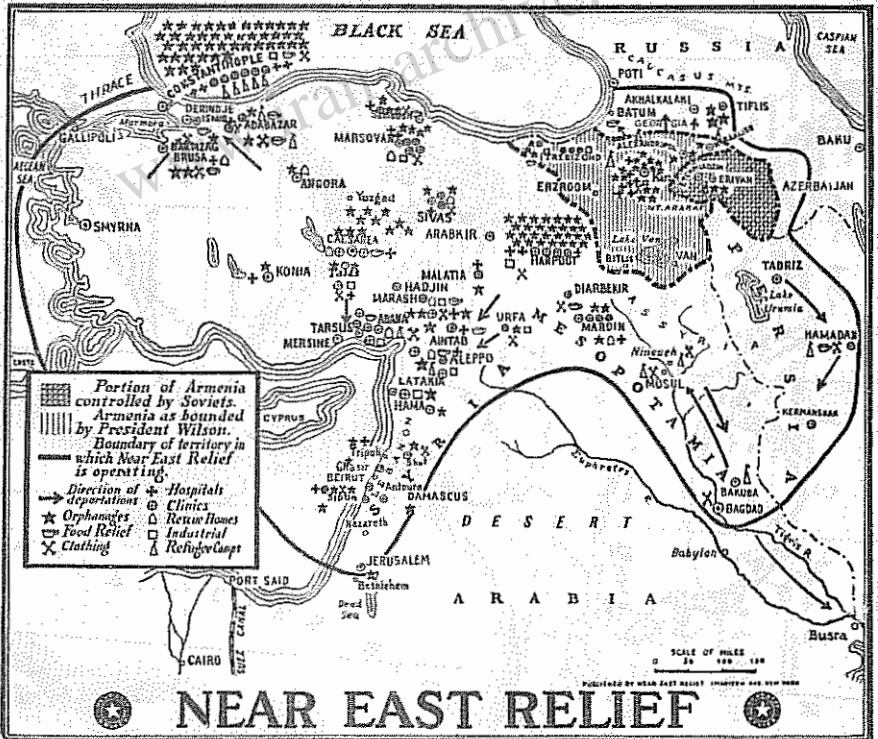
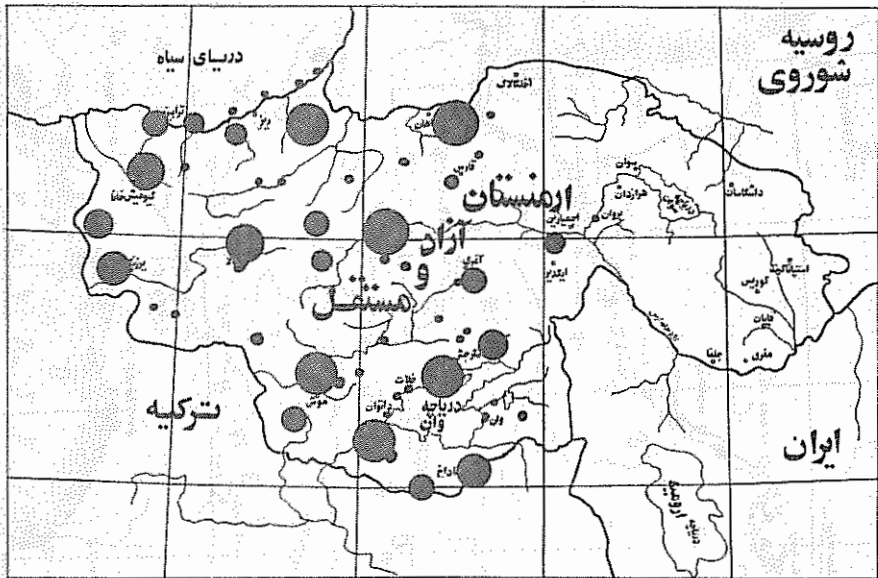


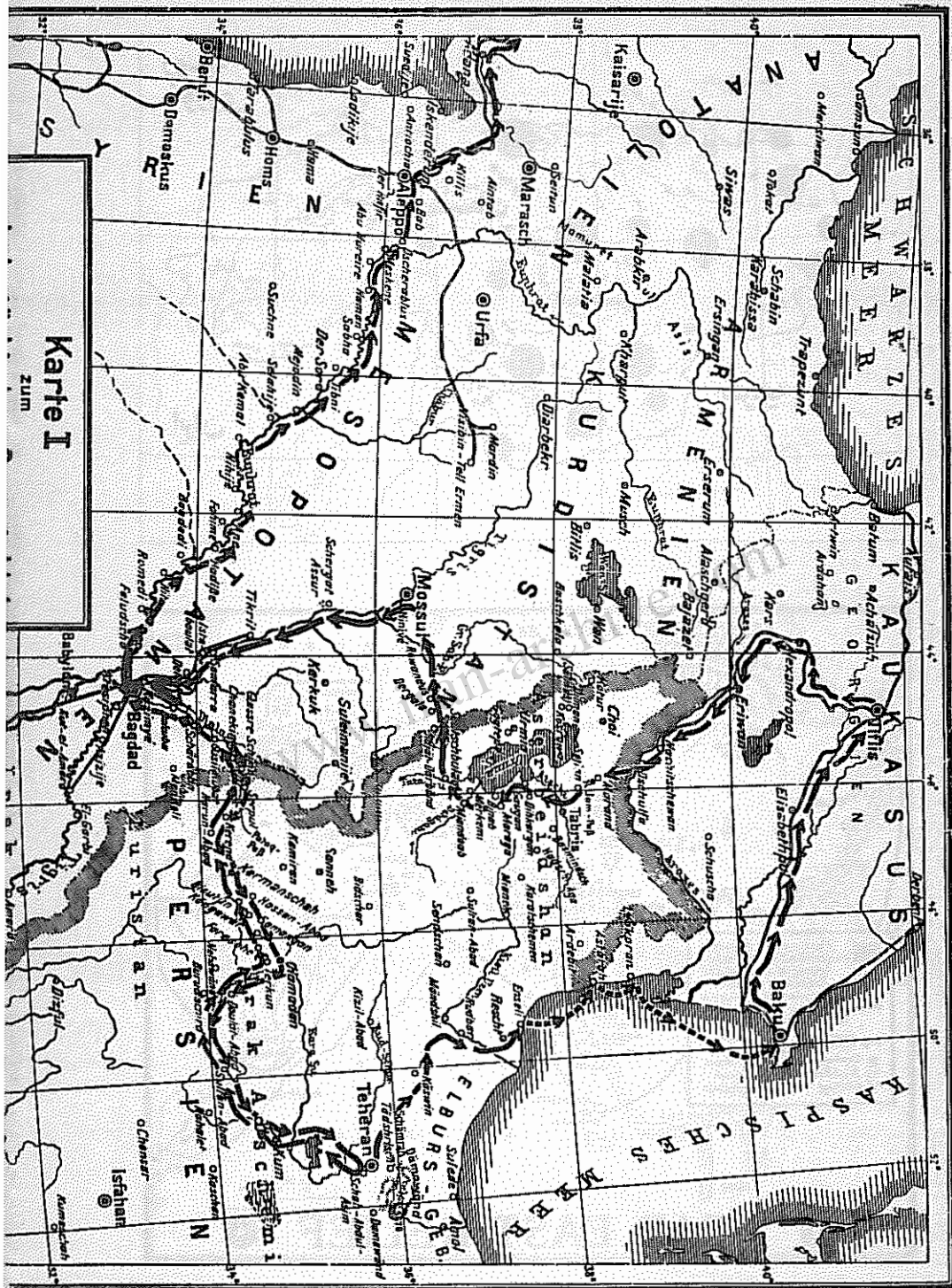












Karte I

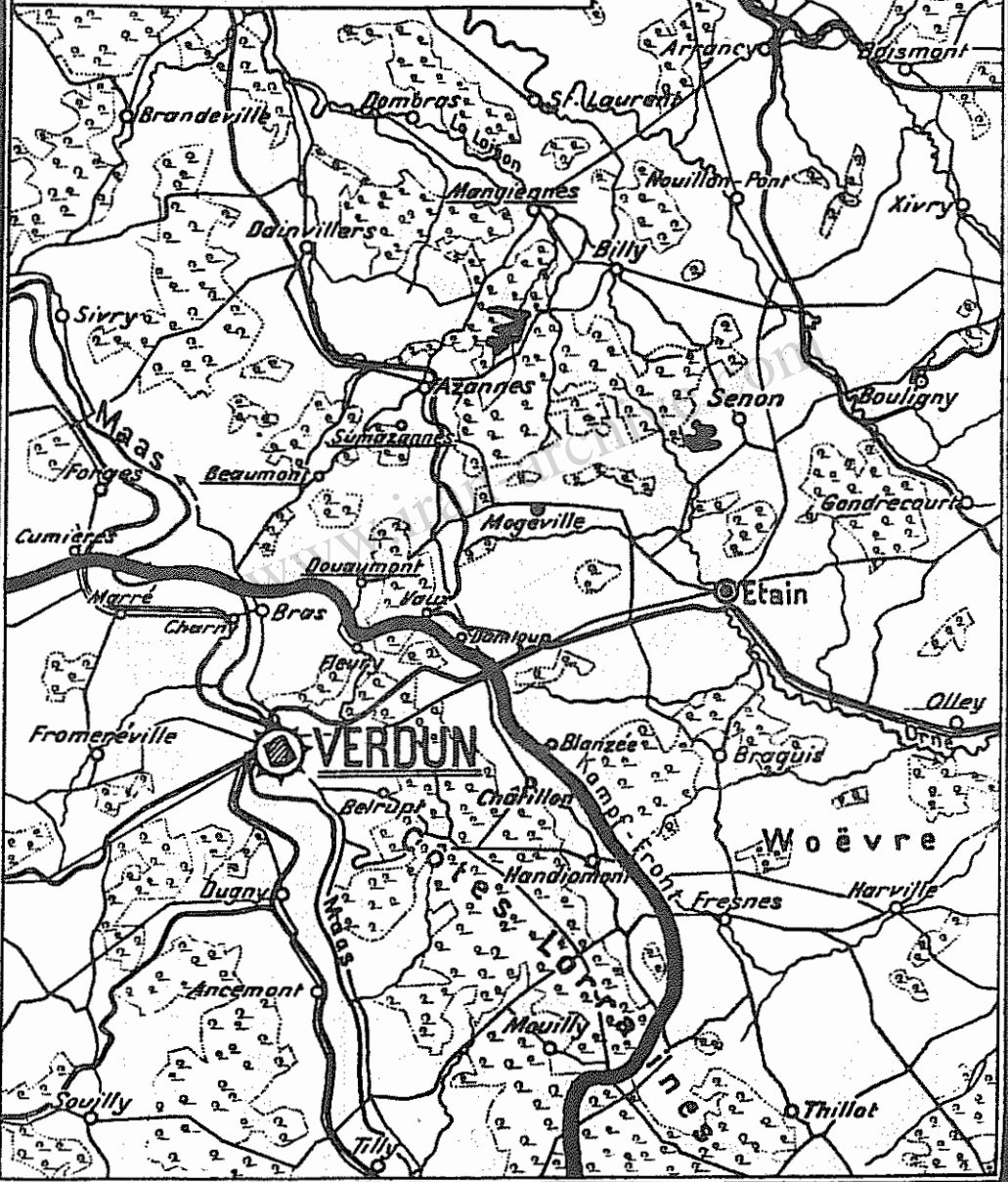
zum

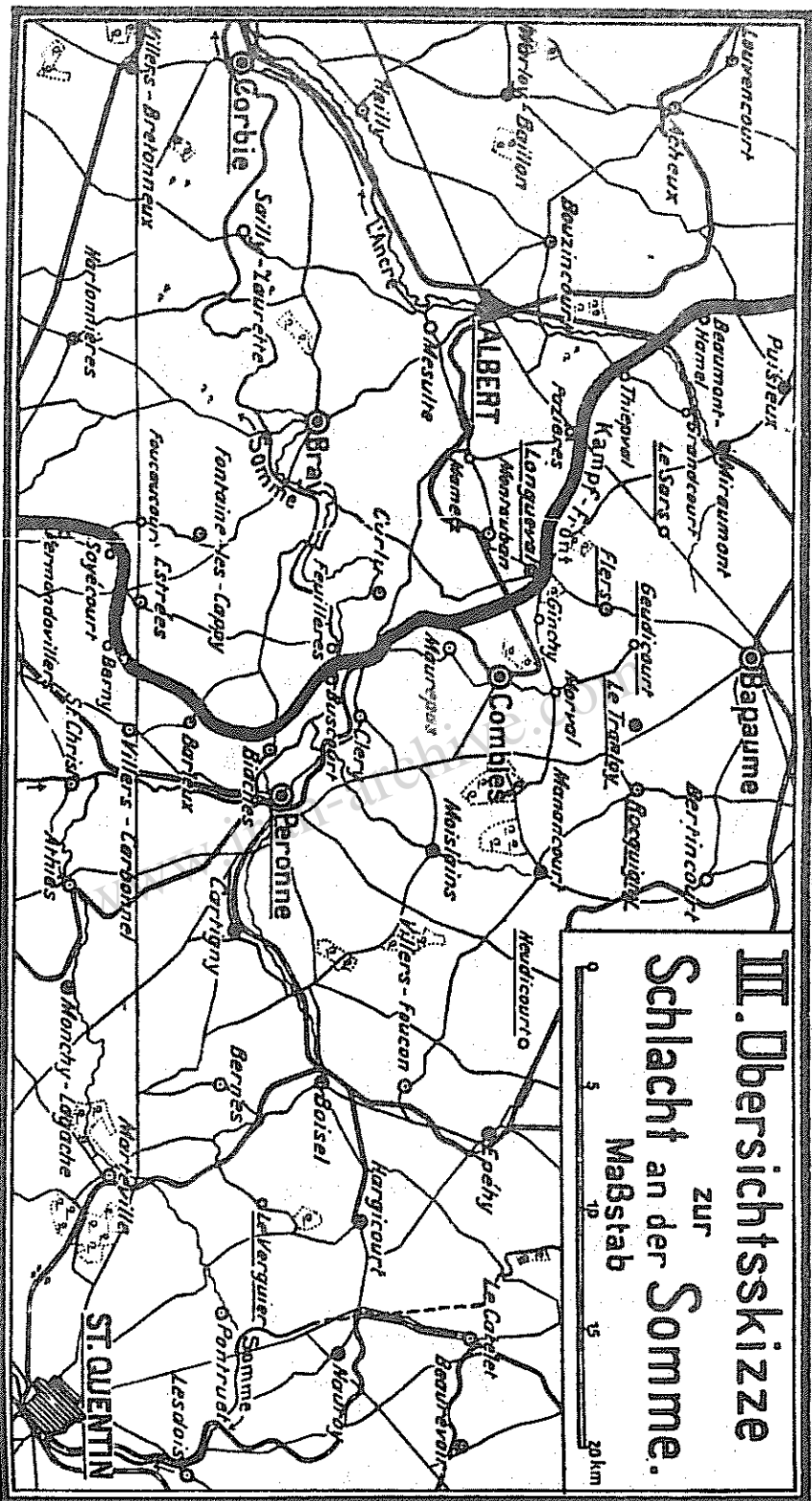
II. Kriegsschauplatz um VERDUN

27. 4. - 22. 5. 1916.

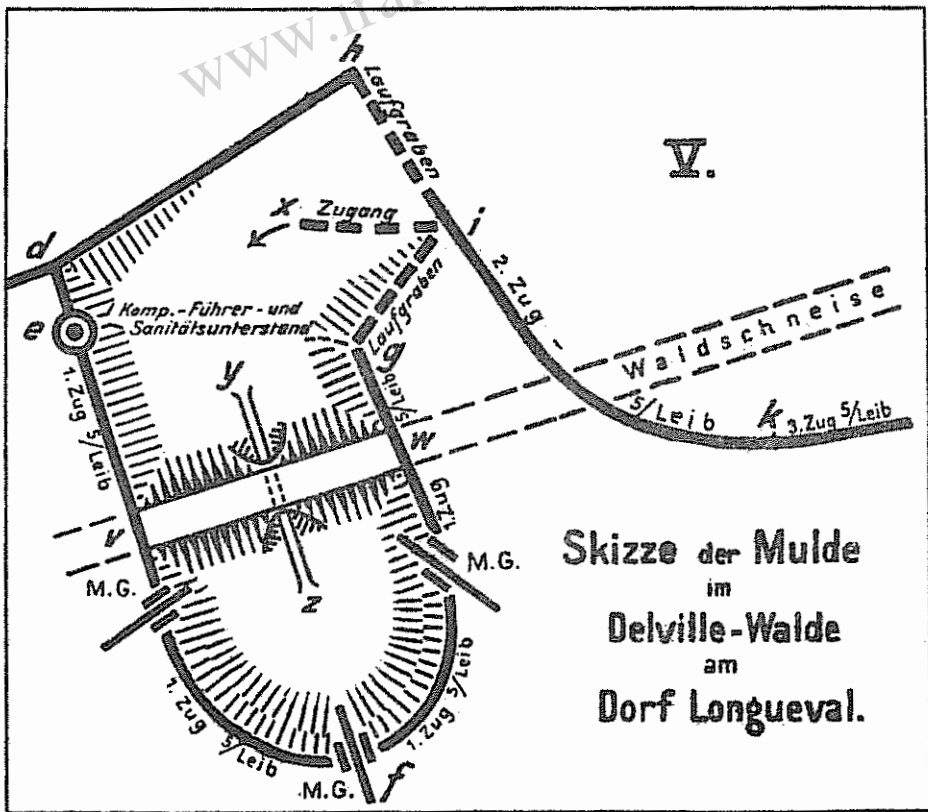
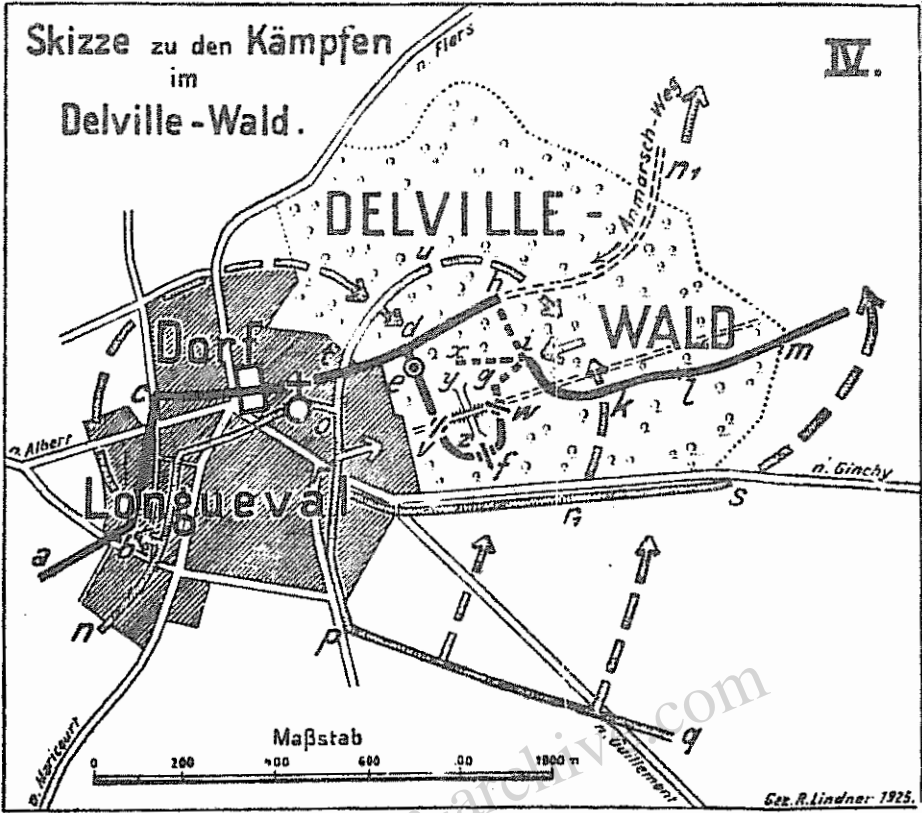
Maßstab

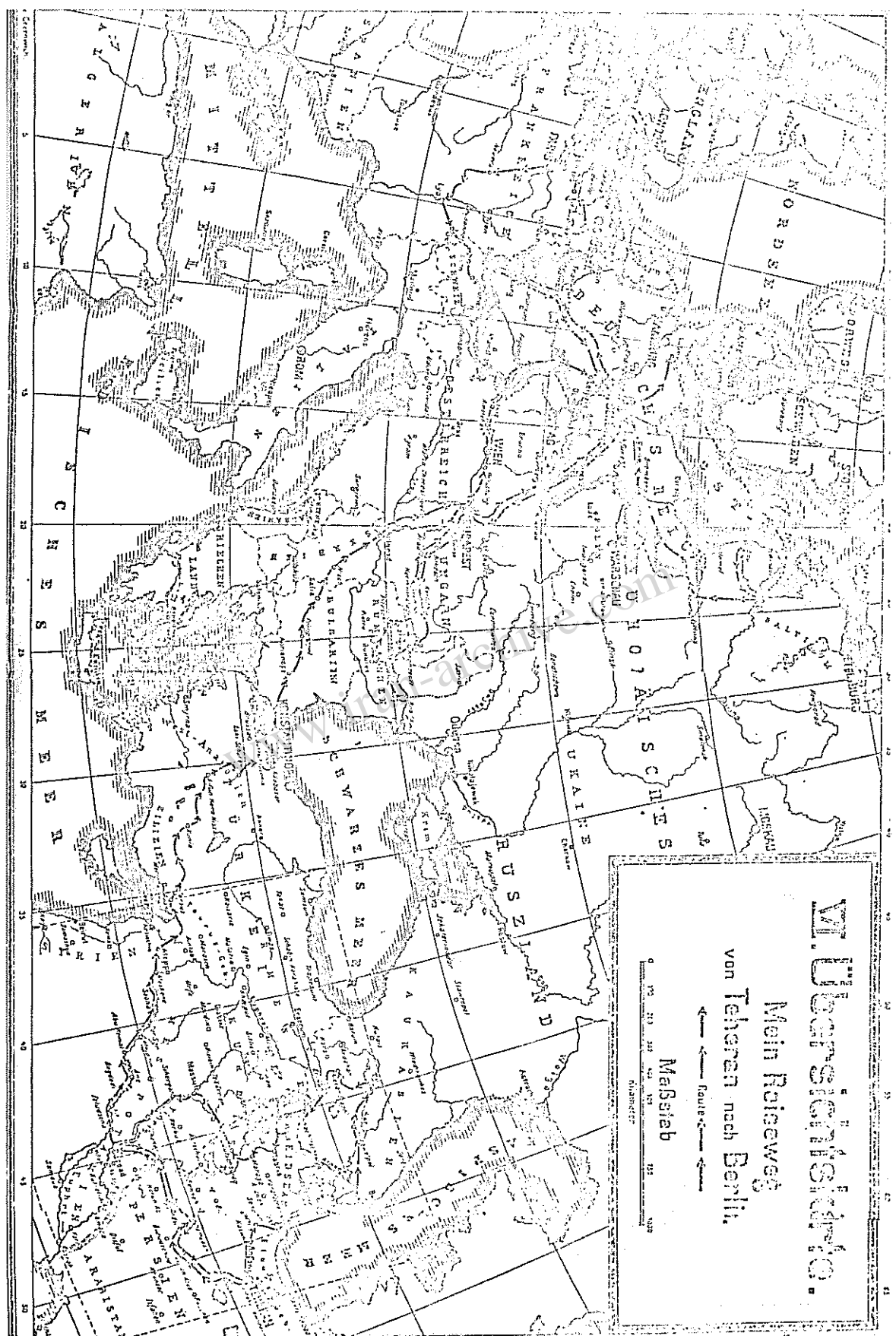
0 5 10 15 20 km





III. Übersichtsskizze
 zur
Schlacht an der Somme.
 Maßstab 1:50,000

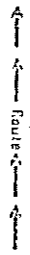




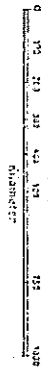
W. Ubersichtsplan.

Mein Reiseweg

von Teheran nach Berlin.



Maßstab



Cartograph. 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50

مناظر این سازه‌کاری‌ها از نظر من دو قسمت بود: اولی قسمت
از دارالسیور تا صحنه شروع می‌شد. حصارهای باره‌ساره‌شده، لباس‌های
رنگ‌زنده‌ی آن حصارها و دیگر قطعات لباس و لوازم منزل صاحبان
آن حصارها که بر سر آن حاده را پوشانده است، می‌تواند تصویری
از آنچه را که رخ داده است، به من ارائه دهد. تصویر فوق بیان‌گر
این بود که آن آوارگان که اضطرار و آنطرف صحراها سرگردان شده
بودند، چگونه آرزای درآمد و با صورت‌هایی که از درد و رنج
عسر و کله نامیده بود، در کمال غم‌ناکی و بی‌امیدگی سرگردان شده یا
آنکه چگونه برخی از آنان بدلتافت و مرکب حیمیدان شایستگی زودتر
از درد و آلام محاسبات و بی‌حیاطی‌های بی‌پروانه‌اند و اما اینکه چگونه
عصی از مردان بدست راهزنان عرب تحت بندگی آنکه لباس‌های
رنگ‌زنده‌ی آنان را سبکها و دیگر بهایم باره‌ساره کرده و در حالیکه برخی
از آنان تنها کفش و لباس‌های قسمت بالای بدن و برخی دیگر تنگ‌ن
عسرتان از با درآمد و جهان را وداع کرده بودند. در آخرین
کاروان که افراد آن به صورت اسکلت درآمد بودند و خون از بدن
آنان می‌ریخت و رنگ‌هایشان بریده بود، یادآور این امر بود که بر
اسر کاروان آن گذشته است که بر کاروان جلوگیری بودند، رفته است
صفت دوم از صحنه سازه‌کاری بود که دیگر من سازی به دیدن
سازه‌کاری و مدحی دانستم.